

اما و اگر های ایجاد مرکز مبارزه مشترک با داعش در افغانستان

علی قادری

سرمقاله این هم شهر خربوزه!

حفيظ الله زكي

يکي از تفاوت های مهمی که کشورهای توسعه یافته با کشورهای عقب مانده دارد، این است که در کشورهای پیشرفته، قانون معیار گفتار، عمل و قضاوت افراد را تشکیل می دهد. همه چیز بر مبنای قانون سنجیده می شود. بی اعتنایی به قانون یک عمل زشت و ناپسند محسوب می شود که بسته به نوع عمل، پیامدهای منفی و بدی را برای افراد به دنبال دارد. از اینرو شهروندان آن کشورها عمل به قانون را به نفع همه دانسته و خود را ملزم می دانند که از قانون پیروی کنند.

ولی در کشورهای عقب مانده یا کشورهای در حال توسعه، قانون معیار خوب و بد نیست. همچنان که قانون گریزی یک ناپهنجاری و تخلف از رویه های عمومی به شمار نمی آید. تخلف از قانون نه تنها پیامد منفی برای افراد ندارد، که بهترین راه سودآوری و ترقی و پیشرفت هم به حساب می آید. در این کشورها افراد از راههای غیر قانونی به قدرت و ثروت می رسند و از همین راه ها حتا شان و منزلت اجتماعی را نیز کمای می کنند. اگر استخدام شوی، اگر به مقامات بالا مقرر شوی، اگر بورسیه تحصیلی بگیری، اگر در امتحانات دانشگاه ناساکم نمانی و اگر به ثروت های باد آورده برسی، باید از قانون عبور کنی و به پدیده های غیر قانونی متوسل شوی. اینجا قانونمند بودن یک نادانی و یا یک زست خشک روشنگرانه می باشد که ارزش و اعتبار حقوقی و اجتماعی ندارد.

افغانستان از جمله کشورهایی است که بنیاد آن بر بی قانونی استوار بوده است. اینجا قانون صرف کتابچه کوچکی است که برای اعضای پارلمان چاپ می شود، تا در میزگردها و مصاحبه ها به آن استناد کنند و قانون واژه ای است که صرف جهت تفتن و خودنمایی از سوی برخی اشخاص نشخوار می شود. اما همین قانون در رفتارهای سیاسی، قضایی، اداری و اجتماعی ما هرگز حضور ندارد.

در جامعه ما حتا کسانی که از بی قانونی شکایت می کنند، ناچار است که برای پیشبرد کارهای شان به ابزارهای غیر قانونی چنگ بزنند. به این دلیل مخالفت با قانون قبحیت ندارد و حتا یک عمل ناپهنجار به حساب نمی آید.

امروزه شما اگر در معاورات روزمره مردم کوچه و بازار دقت نمایید، این امر را به صورت آشکار متوجه می شوید. مثلا اگر گفته شود که فلان مقام ویا شخصیت، ملیاردها پول بیت المال را به جیب زده است، یا دهها ریاست و آمریت مربوط اداره تحت امرش را به فروش رسانیده است و یاهزاران جریب زمین دولتی و شخصی را غصب کرده است و... می گویند کی دستش رسیده که نکرده؟ اگر این شخص غصب و دزدی نمی کرد، دیگران اینکار را می کردند. وقتی دارایی ما دزدی شود، دیگر چه فرقی می کند که دزد احمد باشد یا محمود؟

در تمام عرصه های سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی و ضعیف به همین گونه است. مثلا سه روز قبل گفته شد که نیروهای امنیتی در ولسوالی رودج بدخشان در محاصره طالبان قرار گرفته است، دو روز قبل سخنگویان وزارت داخله و دفاع گفتند که نیروهای امنیتی ما در هیچ جایی در محاصره نیستند و این نیروها کاملا بر اوضاع مسلط اند.

دیسروز والی بدخشان گفت که طالبان ۱۰۷ پولیس را به اسارت گرفته که از آنجمله ۲۶ تن از نیروهای اربکی را با میانجیگری متنفذین محلی آزاد کرده اند. این نیروها دو نیم روز در محاصره بوده اند. والی بدخشان گفته این تسلیمی سازمان یافته بوده و فرمانده نیروهای محلی از قبل با طالبان رابطه داشته است. این هم عذر بدر از گناه.

در رویدادهای مشابه نیز مشخص است که میان نیروهای محلی و ملی همکاری وجود ندارد. همانظوری که میان نیروهای پولیس و اردو هماهنگی لازم وجود ندارد. فرماندهان بر اساس روابط تعیین می شوند و هیچ کس قدرت کنترل آنها را ندارند؛ زیرا از سوی مقامات بالا حمایت می شوند. سنگرها و مناطق عملا معامله می شود؛ اما دولت هیچکاری کرده نمی تواند. چنین رسوایی ها آتندر تکرار شده که دیگر به یک امر کاملا عادی تبدیل شده است و هیچ پیگیری و مجازاتی نیز به دنبال ندارد. به این می گویند شهر خربوزه!

مارتین تامپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش ایالات متحده آمریکا، چندی پیش به کابل آمد با رئیس جمهور، اشرف غنی دیدار نمود. در این دیدار، اشرف غنی خواهان ایجاد مرکز منطقه ای مبارزه با داعش شد. این مسئله مورد استقبال تامپسی قرار گرفت. با وجود اهمیت فائق العاده این مسئله، اما، کمتر در رسانه مطرح شد و کمتر جنبه ها مختلف آن مورد بررسی قرار گرفت. سخن این است که آیا ایجاد مرکز منطقه ای مبارزه با داعش امکان از بین بردن داعش را فراهم می کند. آیا پیامد های جانبی برای افغانستان ندارد. با اهمیت این موضوع، با تهدید فراقشوری داعش و نیاز مبارزه منطقه ای با این مسئله لازم است که این بحث مورد بررسی قرار گیرد. در ذیل اهمیت ایجاد مرکز مبارزه با داعش و پیامد های آن مورد بررسی قرار می گیرد.

گروه داعش یکی از موفق ترین گروه های تروریستی بوده است که در مدت زمان کم شهرت یافت و بخش زیادی از سرزمین قلمرو را زیر کنترل خود در آورد. فعالیت های خود را در سرزمین های دور تر نیز گسترش داد. این موفقیت ناشی از چند مسئله بود. اول: افکار استراتژیک رهبران این گروه. بدون واقعیت این است که داعش گونه موفقیت ممکن نیست. نه جنگ در برابر یک حکومت و دو حکومت ممکن است نه اداره یک سازمان. از این جهت، می توان گفت که رهبران گروه داعش بیش از رهبران دیگر گروه های تروریستی ذهن استراتژیک دارد و تا اکنون بر مبنای برنامه و سیاست های مشخص عمل نموده است.

این مهمترین و اساسی ترین نقطه برد آنهاست. دوم: واقعیت این است که داعش بر اساس حمایت های غرب در مبارزه با حکومت بشمار الاسد در سوریه به وجود آمد. حتی پنتاگون وزارت دفاع آمریکا شکل گیری این گروه را در سرز عراق و سوریه پیش بینی کرده بود. تسلیحات که در اوائل شکل گیری در اختیار این گروه قرار گرفت، کمک نمود تا این گروه به منابع اقتصادی مهم و اساسی دست یابد. دست



یافتن به منابع اقتصادی در نهایت، گسترش قلمرو این گروه را تضمین کرد. این گروه بیش از هفتاد میلیون دلار را به کشورهای آسیایی میانه اختصاص داده بود تا نیرو گیری نماید. این بودجه هنگامت سرعت عمل این گروه را بالا برد.

اما حضور داعش در افغانستان متفاوت تر از حضور این گروه در کشورهای دیگر است. حضور این گروه بیشتر جنبه دینی و مذهبی و با گرایش سلفی گری دارد. در عین حال، زمینه های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نیز تا اندازه نقش در حضور این گروه در کشور داشته است. با همه این ها، مسئله این است که اکنون داعش به عنوان یک گروه تروریستی در کشور حضور دارد و زندگی شهروندان کشور را با تهدید می کند. پر واضح است که این گروه، خواست ها و مطالبات فراقشوری است. از این جهت، مبارزه با این گروه نیازمند مبارزه مشترک منطقه ای است. افغانستان، ایران، پاکستان، کشورهای آسیایی میانه، روسیه، چین، از جمله کشورهای است که مورد تهدید مستقیم این گروه قرار دارد. از آنجایی که ایالات متحده آمریکا ناامنی در خاورمیانه و آسیایی مرکزی را مخالف منافع خود می داند، این کشور نیز می تواند سهم در مبارزه مشترک با داعش داشته باشد. سخن در باب مبارزه مشترک با داعش نیست. اما مسئله این است که ایجاد این مرکز در افغانستان تا چه اندازه به سود و زیان مردم افغانستان است.

حمایت گسترده مردم استرالیا از پالیسی تونی ابوت در قبال پناهجویان غیر قانونی

حسین بهمن

حکومت جولیا گیلارد تلفات پناهجویان در مسیر استرالیا به صورت بی سابقه ی بالا رفت. استرالیا طی یک دهه گذشته با وجود تمامی این مشکلات، یکی از پر طرفدار ترین مقصد برای پناهجویان بوده است. پناهجویان از کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان، ایران و اخیرا کشورهای عراق، سوریه وبنگله دیش به استرالیا برسانند. آنان بدون نظر داشت خدراتی که در مسیر استرالیا وجود دارد، دل به دریا زده وراهی استرالیا شدند. حقیقت این است که

اسای پناهجویان به سوی استرالیا در سال ۲۰۱۲ میلادی تلفات پناهجویان در مسیر استرالیا نیز به اوج خود رسید. به اساس آخرین آمارها در طول سیزده سال گذشته حدود پانزده صد پناهجو در مسیر استرالیا جانهایشانرا از دست داده اند که ۳۶۵ تن از آنها تنها در سال ۲۰۱۲ در مسیر استرالیا در ایها غرق شدند. افزایش تلفات پناهجویان در مسیر استرالیا سرانجام باعث شد که حکومت استرالیا قاطعانه با پدیده پناهجویی غیر قانونی درین کشور مبارزه کنند. تونی ابوت نخست وزیر کنونی استرالیا که در اواخر سال ۲۰۱۳ به سمت نخست وزیری استرالیا انتخاب شد در آخرین روزهای حکومتش دست به یک سلسله اصلاحات جدی در پالیسی مهاجر پذیری استرالیا زد. عمده ترین تغییری که تونی ابوت در ین هرصه بوجود آورد این بود که اعلام کرد پس ازین هرپناهجویی که به صورت غیرقانونی وارد استرالیا شوند درین کشور پذیرفته نخواهد شد. وی اعلام کرد پناهجویانی که تلاش کنند به صورت غیرقانونی وارد استرالیا شوند حتی اگر مستحق پناهنده گی هم شناخته شوند درین کشور پذیرفته نشده بلکه از استرالیا اخراج خواهند شد. وی به منظور عملی نمودن این برنامه چندین راهکار مشخص را روی دست گرفت. باز گرداندن کشتیهای حامل پناهجویان غیرقانونی ازای بهای استرالیا، راه اندازی عملیات حفاظت از مرزهای استرالیا، اخراج اجباری پناهجویان که درخواست های شان رد میشود و عدم پذیرش پناهجویان از کیمهای نارو و مانوس از عمده ترین برنامه های بود که تونی ابوت نخست استرالیا ان را اجرا گذاشت. از زمانی که برنامه های تونی ابوت در خصوص پناهجویان غیرقانونی عملی شده است هیچ کشتی حامل پناهجویان غیرقانونی نتوانسته است که موفقانه وارد استرالیا شود. ازسویی هم طی این مدت هیچ پناهجویی در مسیر استرالیا جانش را از دست نداده است. جلوگیری از تلفات پناهجویان در مسیر استرالیا از عمده ترین دلیلی بود که حکومت استرالیا را وا داشت تا پالیسی خود را در قبال پناهجویان تغییر دهد. هرچند



اینده تلاش میکند که از همین پالیسی پیروی کند. بیل شارتن رهبر این حزب اکنون اعلام کرده است که پالیسیهای سختگیرانه تونی ابوت برای جلوگیری از ورود پناهجویان غیرقانونی در استرالیا فوق العاده کار ساز بوده است و باعث شده است که قاچاقبران انسان که کار شان انتقال غیرقانونی پناهجویان به استرالیا بود شکست بخورند. وی گفت زمانی که حزب کارگر برای آخرین بار در قدرت بود برخی از اشتباهات را در قبال پناهجویان غیرقانونی مرتکب شده است اما در آینده این حزب تلاش میکند

قبل از آمدن تونی نیز تلاشهای فراوانی به این منظور در استرالیا صورت گرفته بود ولی این تلاشها هیچگاهی تا این موفق نبوده و چنین نتیجه مطلوب در پی نداشت. تونی ابوت نخست وزیر استرالیا میگوید که راهکارهای که از سوی وی برای جلوگیری از ورود کشتیهای حامل پناهجویان غیرقانونی درین کشور اجرا شده کاملاً موفق بوده است. وی میگوید که پس ازین هیچگاهی در قبال قاچاقبران انسان که پناهجویان را به صورت غیر قانونی به استرالیا انتقال میدهند از خود انعطاف پذیری نشان نخواهد داد. وی هشدار

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرفاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفيظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بیرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

افغانستان
The Daily Afghanistan

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Publication